درعین عیان مخفی و در خفیه عیان : اندر دو عجب مانده ام ای جان جهان : هم اینی و هم آنی و نه اینی نه آن : و از همه وادیست انگه نهفته
علیهم اهل تشبیه اند که مطلق را مقید میسازند و مقابل اهل تنزیه عقلی که ایشان نیز تحدید غیر محدود میکنند پس قایل به تنزیه بلا تشبیه
ازان جهة که مقید حق مطلق است ناقص المعرفه باشد چو بمقدار که حق را ازان تنزیه کرده است از معرفة تعینات و تنوعات
ظهور او سبحانه و تعالی محجور و محروم است و بصفت ضلال و بعد از مرتبه جمعیت موصوف و موسوم و همچنان مشبه بی تنزیه
تنزیه ناقص است چون بجنبه که در تشبیه حدی پیدا کرده اند و بدان سبب غضب و سخط ربانی الهی لایق آمده اند و روش جمع
و معرفة ایشان مبتنی بر مجرد تشبیه است و ازان ترسایان بر محض تنزیه و امت محمدیه صلوات الله علیه علی قاید ما که لغت
تامه ایشان را جامع است میان تشبیه و تنزیه و هریک را در مقام او ثابت دارند و حق سبحانه مبرا و وصف منعوت
و موصوف دانند و تنزیه از حیث حقیقت ذات و بحر و از مظاهر کاینات و تشبیه باعتبار ظهور در مرایای اکوان و نمود
او در ملابس اشکال و الوان **بیت** گاه خورشید و گهی دریا شوی : گاه کوه قاف و گه عنقا شوی : تو نه این باشی نه آن
در ذات خویش : ای برون از وهمها و از پیش بیش : ای تو ای بی نقش با چندین صور : هم موحد هم مصور خیره شد
فصل آمین همچنین باد چون مناشیر سلاطین روزگار صورت اختتام پذیرد و بتوقیع وقیع ایشان که عبارت از طغرا
نشانست توشیح می یابد اینجا نیز چون منشور عظیم الشان و مثال معجز نشان ام القرآن که صدر الکتاب صحیفه فرقانی و فصل
الخطاب جریده احکام ربانیست سمت اتمام یافته اختتام او بمهر خاتم احترام که عبارت از کلمه تامه آمین است
سعین بشد در روایة ابو هریره از حضرت سید انبیا علیه افضل الصلوة المصلین که آمین خاتم رب العالمین و این کلمه
بقول مجاهد از سوره فاتحه است و باقی علما برانند که نه از فاتحه است و نه از سایر سور بدلیل آنکه در مصحف امام مثبت نبوده
و در دیگر مصاحف نیز ننوشته اند و نمی نویسند و اگر کسی در آخر فاتحه بسهو بنویسد آنرا محو باید کرد چو تجرید مصحف از زوائد
لازم است و اصح آنست که آمین از قرآنیت اگر نازل است بر حضرت خیر المرسلین صلوات الله علیه چنان فرموده که تلقین
کرد مرا جبرئیل که این کلمه بعد از فاتحه بگوی آمین چون این مهر است بر نامه و نامه از مهر هست اما مانع زیاده و نقصان هست
در حدیث آمده که چون یکی از شما دعا گوید ختم کند بآمین که آمین چون مهر است بر صحیفه در جزو دیگر وارد است
که ختم کنید دعا را بآمین تا حق تعالی دعوت شما را بشرف اجابت رساند ابو زهیر ثقفی رضه گفت شبی در خدمت حضرت
پیغمبر صلعم بصحرا بیرون شدیم گذر ما بر خیمه افتاد یکی در تضرع تمام دعا میکرد و در سوال و طلب آمال و الحاح ابرام مینمود
حضرت سید عالم هم آنجا توقف نمود استماع فرمود دعا او را بعد از اتمام گفت مهر کن بآمین و مژده باد ترا
باجابت وهب منبه رضه فرموده که این کلمه چهار حرفست هر که این کلمه بر زبان راند ملک تعالی از هر حرفی فرشته را
بیافریند و امر کند تا قیام قیامت میگوید که ای آفریدگار بیامرز گوینده آمین را در تفسیر امام ابو اللیث آمده که هر یک
از حروف اربع آمین بنده گان را جوازیست که بآن بر صراط بگذرند و بدان درهای بهشت بر روی ایشان بگشایند

ای

ای عزیز در دریابی جوازی در راهها گذشتن ممکن نیست پس راه صراط که دشوارترین راهها باشد بی جواز چگونه توان گذشت حق تعالی بگو
آمین را از محض عنایت جواز راه قیامت ساخته تا به برکت او بی هراس صراط گذرند **نظم** ز نسخه خط مشکین خود نشانم ده
که سیر راه محبت بدان جواز کنم : در موجز ابو الفتوح مذکور است که آمین درجاتست در بهشت و این سخن را چنین توجیه کرده اند که
گلشن او سبب وصولست بدرجه از درجات جنت در لطایف التقریر آمده که الف آمین از امانست و میم او از مغفرت و یا از سین و نون
از نصرت بنده که بصدق این کلمه گوید از عذاب شان امان دهند و مغفر مغفرت بر فرق او نهند و دشوار بیابر و آسان سازند و علم
نصرتش بر افرازند و گفته اند الف آمین اشارت بالف عارفت بذکر الهی و میم اشارت بمشاهده انوار الطاف و یا و نون بمجمل
در راه دین و نون متابعت سید المرسلین عارف را بدین چهار صفت چهار خلعت از جامه خانه عنایت بپوشانند بالف الفت دولت
انس باحق بدو ارزانی دارند که من انس بالله انس الله و بمیم مشاهده بمقام محبت خاصش راه دهند که الجنة شراب صاف لاینبغیه
الا رجل واقف و بیای یقین سکه بر دنیا و دین بنام زحمت الخاصش زنند لاینال الا من یدون الیقین و بنون تو صوفت
نظر سعادت بر صحایف اعمال و صفایح احوالش افکنند و من نظر علیه غفر له آمین کلید در اجابت سهمی از سهام اهداف اجابت
طغرای غرای عالم آرای فضل و افضالست توقیع وقیع سعادت افزای قبول و اقبالست مهر سپهر لایقیت از افق هدایت تابان شده
ماه بارگاه شهامتست از اوج کرامت درخشان گشته ثمره شجره حمد و شکر است نتیجه مقدمه ذکر و فکر است رشته لالی
معانی را از سوره فاتحه فایحه را اختتام بدو قافله دعا را قاید است محمل اجابت را حادی همت را رایداست مصوب تا بت
بیت منشور حیات جاودانیست : سرچشمه آب زندگانیست : ای درویش بنظر صورت درین کلمه مپسند که گنجهای
از گنجهای عرش محیط الفطس فهرست جریده مراد است معنیش عنوان صحیفه اجتهاد است و نقش طراز کسوت حصول
امنیت نقطه اش هیمن اللیات کام امنیت نفحات گلشن انسی را مهبت مقدس نسیمات چمن قدسی را مورد دست پاکیزه از
هر دنس خاتمه فاتحه کتابست تالی اصل فصل خطابست **بیت** قفل گشای در کاخ صفاست : عطر فزای گل شاخ وفاست : غنچه
از گلشن ناز آمده : یا گلی از گلشن راز آمده : در تفسیر خواجه قدس سره مذکور است که حق سبحانه بر این امت در های
اجابت دعا گشاده است که بر هیچیک از امم ماضیه نگشوده بود و در حضرت پیغمبر صلعم امت بزرگوارش را تحفها بود در خزاین غیب
مکنون و مستور و دست قهر بر آشنا و بیگانه از تعرض و از معرفت آن و تصرف در آن محروم و مهجور نه فرشته ذره از آن
بهرهای لطاف دیده بود و نه هیچ پیغمبر شمه از اسرار کلمه آنها شنیده **بیت** در گوش دلم هاتفی اسرار تو میگفت سری
که زجبرئیل امین نیز نهان بود : حق تعالی آن خطوط در غیب مکنون داشت تا زمان ظهور رسید و لاد آدم صلوات الله علیه آدم را با وضع
آن او صورت دعا بدین امت عطا کرد تا دیگران را گمان افتد که اینها هرچه یابند به برکت دعا یابند و آن عطاها در حجب دعا
پنهان ماند ای درویش آن اقسام عنایت خطوط سعادات که از دیده پیغمبران و انبیا ایشان پنهان بود
و شکان مقرب بدان اطلاع نداشتند در سوره سبع المثانی که مستثنی بوده از کتب برای قرآن و از رسل برای

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)